

تأویل در دیوان قائمیات

نوشته: رضا حسنی

۵ مارچ ۲۰۱۹

مقدمه:

اسماعیلیه گروهی از شیعیان هستند که معتقدند بعد از امام جعفر صادق (ع)، حضرت اسماعیل (ع) فرزند ارشد ایشان امام می باشد. اسماعیلیه حقایق نهفته در قرآن و احادیث و راه رسیدن به باطن را از طریق تأویل می دانستند و آن ها برای هر ظاهری معنایی باطنی قائل بودند. در این تحقیق یکی از آثار گرانبهای دوران الموت را مورد بررسی قرار خواهیم داد و بررسی خواهیم کرد آیا در دیوان قائمیات تأویل به کار رفته است؟ و ما فرض میکنیم که تأویل در اشعار قائمیات به کار رفته است. از آن جا که در جهان معاصر مسأله تأویل در متون مقدس به شکلی جدی مطرح شده است و یکی از شاخه های نقد ادبی با عنوان نقد هرمونتیک هم تأویل گراست ضرورت دارد تا تأویل مد نظر حسن محمود کاتب شاعر و نویسنده اسماعیلی نزاری دوران الموت را بشناسیم. در مورد تأویل در دیوان قائمیات تاکنون پژوهشی اختصاصی به جز در مقدمه تحلیلی دیوان قائمیات به صورت موجز به این موضوع پرداخته شده انجام نشده است. و یکی از مشکلاتم در این تحقیق نبود تحقیق مستقل در این زمینه بود و منابع اصلی تحقیقم دیوان قائمیات می باشد که به تازگی انتشار یافته است و همچنین روضه التسلیم که کتابی است از همان دوران که کمک شایانی به شناخت مبانی اعتقادی اسماعیلیه در آن دوران نمود. تأویل به معنای به اول برگرداندن هر موضوع و مطلب است و دریافت معانی جدید و فهم و درک بهتر آن. از آنجایی که دیوان قائمیات منبع ارزشمندی برای جماعت اسماعیلی از قرن هفتم است که به دلیل شرایط سیاسی حاکم در دوران متون به طور غالب راز آلود و در پرده ای از ابهام به جا مانده. دیوان قائمیات از شاعرو داعی بزرگ دوران الموت می تواند راهگشای بسیاری از ابهامات تاریخی و مفاهیم و رموز نهفته در اشعار وی باشد که بسیاری از اصول اعتقادی و نکات تاریخی آن دوران را روشن سازد.

جایگاه تاویل در دیوان قائمیات ،سروده ی حسن محمود کاتب از داعیان و نویسندگان اسماعیلی دوره ی الموت، دارای بالاترین مرتبه است. در این اثر گرانبها به مفهوم وچپستی تاویل پرداخته می شودبه گونه ای که نویسنده برای بیان مفاهیم اعتقادی خویش از آن استفاده کرده است و این نشان دهنده ی چند لایگی اشعار می باشد . بنابراین در این تحقیق به سه سوال اصلی پاسخ داده خواهد شد:

1: تاویل چیست؟

2: دیوان قائمیات اثر چه کسی و مربوط به چه دوره ای است؟

3: شاعر چه مفاهیمی را در دیوان قائمیات مورد تاویل قرار داده است؟

1. تاویل چیست؟

مفهوم تاویل وریشه ی آن

تاویل در فرهنگ معین به معنی بازگرداندن، تفسیر کردن، بیان کردن، شرح و بیان کلمه یا کلام به طوری که غیر از ظاهر آن باشد. واژه تاویل از ریشه "اول" در باب تفعیل است. در تاویل مقصود گوینده مهمتر از معنای ظاهر به معنایی دورتر اشاره دارد. ناصر خسرو در زاد المسافر تاویل را این گونه تعریف می کند: تاویل چیزی نیست مگر باز بردن معنی هر چیزی را به آن چیزی که اول آن بوده است.¹

تاویل در قرآن:

دانشمندان علوم قرآنی و پژوهشگران این حوزه از گذشته تا حال در پی ارائه تعریف و تحلیلی از تاویل بوده اند بعضی تاویل را مترادف تفسیر، عده ای تاویل را خلاف ظاهر آیات، عده ای آن را اصل و حقیقت و کذب آیات تعریف کرده اند. در دنیای اسلام تاویل حوزه های گوناگونی دارد از جمله تاویل: فلسفی، عقلی، باطنی، کلامی بطور کلی می توان دو کاربرد کلی برای تاویل ارائه کنیم:

- تاویل در برابر تنزیل.
 - تاویل ظواهر وقتی خلاف عقل است و یا تاویل ظواهر تفسیر
- تاویل در مقابل تنزیل: تنزیل معنای ظاهری کلام وحی است و تاویل معنای ماورای معنای ظاهری است و به معنای باطن توجه دارد تاویل باطنی به ظاهر کلام متکی نیست و از ظاهر آیات و الفاظ به معنای باطن آن می رسیم. و ظاهر و باطن به هم وابسته اند.
- در بعضی از آیات معنی ظاهری درست نمی باشد و می بایست تاویل انجام شود مثلاً در آیه ی ان الذین یبایعونک ... واژه ید به معنی ظاهری نمی باشد و یا در سوره ی طه آیه ۲۱ که خداوند می فرماید آدم گناه کرد نسبت به پروردگار و گمراه شد این گمراه شد باید تاویل گردد. و در متشابهات معنای آیات فرعی را به آیات اصلی ربط دادن است. و یا بعضی آیات و احادیث که با عقل ناسازگار است باید این موارد را به گونه ای مطرح و ارائه کرد که با عقل و مبانی عقلی همخوان باشد این معانی سازگار و همسو با عقل را تاویل می نامیم. به عنوان مثال اگر بهشت و نعمت های آن را بر معنای ظاهر در نظر بگیریم افراد به همین دنیا دل بسته و توجهی به آخرت نمی کنند پس باید بهشت و نعمت های آن را تاویل کنیم.

¹ زاد المسافر صفحه ی 412 قول بیست و پنجم، نشر میراث مکتوب و موسسه ی مطالعات اسماعیلی لندن 1393

یکی از مهم ترین مسائلی که اسماعیلیه به آن توجه ویژه ای داشته اند مبحث تأویل قرآن بوده است و یکی از نام های دیگر اسماعیلیه باطنیه می باشد. بطور کلی دانشمندان و متفکران اسماعیلی در تأویل همسو و هم عقیده هستند و آیات و احکام شرعی را رمز و مثل می دانستند و پایه ها و مبانی تأویلیشان از اصول محکمی برخوردار است. از منظر گاه دانشمندان اسماعیلی تأویل دو معنی دارد لغوی و اصطلاحی. "در اندیشه ی شیعه و اعتقادات شیعی، نقش معنوی و ماورائی و بسیار مهم امام و توضیح و تفسیر معنای باطنی کلام منزل، که به وسیله ی پیامبر آورده شده است تأویل خوانده می شود." چنانکه می دانیم اندیشه ی تأویل بر عقیده ی شیعه به وجود دو بعد ظاهر و باطن در همه ی کتب و تعالیم آسمانی تأکید می گذارد. باطن گرایی شیعی کامل ترین شکل خویش را در مذهب اسماعیلیه پیدا کرد. مقصود از تأویل باطنی، که اسماعیلیه به طور همه جانبه از آن بهره می جستند، این بود که از روی باطن چنان پرده برداشته شود که حقیقت معنوی واقعی آن آشکار گردد. مقصود و هدف تأویل آن طور که در نوشته های اسماعیلی عنوان می شود، رسیدن به فهم "ابتدائی" کتاب مقدس است با گذر از معنای ظاهری و لفظی متن. البته نه اینکه معنای کلی قرآنت ظاهری محدود شود یا اینکه اعتبارش کاملاً نفی گردد، بلکه اذعان می شود که معنای نهایی و تمامیت معنای هر متنی فقط با به کار بردن تأویل قابل درک است. تفکر اسماعیلی در پی آن است که معنای دین و وحی را چنان بپرورانند که در عین قبول آنچه محسوس و ظاهر است، در ریشه ها نیز رسوخ کند تا راه به آنچه پنهان یا باطن است بیابد و آن را آشکار سازد² از نظرگاه دانشمندان اسماعیلی همه ی آیات قرآن دارای تأویل هستند و برای هر امری از جمله قرآن ظاهر و باطنی قائل هستند و به همین علت به آنها باطنیه می گویند و بر این عقیده هستند که باطن قرآن دارای بطونی است ناصر خسرو در گشایش و رهایش عمل به شریعت را پیش شرط رسیدن به تأویل می داند. خواجه نصیر در روضه التسلیم می گوید:³ "عبارات تنزیلی از کون مشابیه است و به کثرت خاص و بر طبیعت دوزخ، و معانی تأویلی از کون مابینت است و به وحدت خاص، بر طبیعت بهشت و هر که از او کون مشابیهت به کون مابینت نرسد و از عبارات تنزیلی طلب معانی تأویلی نکند و به آن نرسد از اهل دوزخ باشد و هر که از کون مشابیهت به کون مابینت طلب معانی تأویلی کند و به آن برسد از اهل بهشت است" بیشتر دانشمندان و بزرگان اسماعیلیه از تأویل در آثار خویش استفاده کرده اند از جمله ناصر خسرو، حمید الدین کرمانی، قاضی نعمان، ابو حاتم رازی، ابو یعقوب سجستانی و... تأویل اسماعیلی به استفاده از عقل انسانی در کنار اتصال به رهنمودهای امام زمان و امام شناسی تأکید دارد یعنی عقل هدایت یافته یا عقلی که از نور و هدایت امام بهره مند شده باشد.

فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، نشر فرزانه روز 1375 صفحه 2
104 و تاریخ فلسفه ی اسلامی، سید حسین نصر، الیور لیمن، تهران حکمت چاپ سوم 1389
خواجه نصیر الدین طوسی، روضه ی تسلیم، تصحیح و پیشگفتار سید جلال حسینی بدخشانی با مقدمه هرمان لندولت، نشر میراث مکتوب و موسسه مطالعات اسماعیلیه 1393

2. دیوان قائمیات از چه کسی و مربوط به چه دوره ای است؟

حسن محمود کاتب:

شغل- القاب- مذهب- نامها

از وی جز در محافل اسماعیلی هیچ گونه شناختی نسبت به او در کتب ادبی و تذکره ها دیده نمی شود فقط در کتاب زبده التواریخ کاشانی قصائدی از این شاعر ذکر شده است و همچنین در کتاب جامع التواریخ بخش اسماعیلیان رشید الدین فضل الله از تاریخ رییس حسن صلاح منشی اقتباس کرده است. و در تذکره هفت اقلیم احمد رازی نیز اشعاری از وی نقل شده است. وی از سراینندگان اسماعیلی مذهب سده ی هفتم هجری است. در مقدمه مصحح دیوان قائمیات این طور معرفی شده است:⁴

"حسن محمود کاتب ملقب به جلال الدین که گاه با نامهایی چون سیّدالدعات صلاح الدوله والدین منشی جهان مبدع النثر والنظم حسن محمود، حسن صلاح، حسن صلاح منشی ویا حسن صلاح بیرجندی از او یاد می شود". وی به شغل کتابت و منشی گری در دستگاه ناصرالدین محتشم اشتغال داشته است. از بررسی سخن قصاید دیوان بر می آید که سراینده ی آن مردی دانشمند، ادیبی توانا و مسلط بر همه ی فنون و صنایع ادبی و عروضی بوده است. پختگی کلام شعر، مضمون و محتوی قصاید می رساند که وی سرآمد شاعران دوران خویش بوده است. "استاد شفیع کدکنی در مقدمه ی دیوان او را ردیف ناصر خسرو و نزاری قهستانی به شمار می آورد و او را یکی از نمایندگان شعر نیمه ی اوّل قرن هفتم به حساب می آورد و می افزاید ارزش ادبی دیوان قائمیات در جایگاه خودش بسیار والاست ما از طریق این دیوان با مجموعه چشمگیری از مفردات ترکیبات و امثال آشنا می شویم که بی سابقه است یا در حدی است که می تواند شواهد نادر لغات و اصطلاحاتی را یافت تا فرهنگ نامه ها را تکمیل کرد و هیچ فرهنگ نویسی از آن بی نیاز نیست".

کتاب ها:

دیوان اشعار وی قائمیات نام دارد که به تازگی کشف و چاپ شده است. این دیوان دارای ارزش ادبی و تاریخی در عصر تاخت و تاز مغولان و در نیمه ی قرن هفتم سروده شده در مقطعی از تاریخ اسلام و اسماعیلیه که بزرگترین حادثه مذهبی تاریخ اسماعیلیه یعنی عید قیامت اتفاق افتاده و بیشتر اشعار آتشین شاعر در پاس داشت ارزش های این واقعه بوده است. دیوان قائمیات هفت جلد بوده است که تنها دو جلد از آن باقی مانده است و به دیوان کبیر قائمیات مشهور بوده است. این اثر در آن نکات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی ارزشمندی به چشم می خورد. در این دیوان ۱۵۷ قطعه و قصیده مشتمل بر ۴۷۸۴ بیت، از این تعداد ۸۵ قصیده بدون تخلص و ۵۲ قصیده دارای تخلص حسن و ۶ تا ۷ قصیده دارای تخلص قائمی است. سراینده ی تمام اشعار این دیوان حسن محمود کاتب نیست بلکه مجموعه ای از اشعار شعرای دوران الموت است که در یک مجموعه گردآوری شده است. این دیوان

4: حسن محمود کاتب، دیوان قائمیات، با مقدمه ی شفیع کدکنی و تصحیح و مقدمه سید جلال بدخشانی، تهران، نشر میراث مکتوب و موسسه مطالعات اسماعیلیه 1390 صفحه 106 مقدمه

در سال ۱۳۹۰ در تهران توسط مرکز پژوهشی میراث مکتوب و با همکاری موسسه مطالعات اسماعیلی لندن که مصصح آن سید جلال حسینی بدخشانی و با مقدمه مبسوط محمد رضا شفیع کدکنی منتشر شده است. قصاید دیوان تا حدی شیوه‌ی تعلیمات دوره‌ی الموت را روشن و اشاراتی می‌کند که چطور مفهوم این تعلیمات را برای جماعت قابل فهم نماید. قصاید روابط اجتماعی جامعه‌ی اسماعیلی دوره‌ی الموت را روشن می‌سازد در برخی از اشعار بر ادب تأکید شده که شکل‌گیری ادب و اخلاق انسانی را معین می‌سازد و ادب را از نسب برتر شمرده است. برخی از قصائد نمایانگر آن است که شاعر یا شاعران قائمیات وظیفه‌ایی برای بالا بردن روحیه و روان رزم و پیکار فدائیان اسماعیلی داشته‌اند و در برخی از قصائد نام فدائیان را ذکر میکند که چگونه در مبارزات خود موفق شده‌اند و حاکمان الموت پاسخ زورگویان را به وسیله‌ی همین فدائیان می‌داده‌اند. نوع استعاره‌های شاعر بسیار طبیعی و دور از تکلف است. در یک نگاه کلی شعرهای دیوان ارزش ادبی و هنری قابل ملاحظه‌ای دارد و دارای اهمیت خاص و ویژه‌ای است:

- دعوت قیامت
- ارزش تاریخی و حمله تاتار
- ایثارهای فدائیان در دیوان شاعر نیز به پند و اندرز و مسائل اخلاقی پرداخته، وی دارای رساله‌ای منثور به نام هفت باب است که به غلط به دلیل تشابه اسمی او با حسن صباح به هفت باب سیدنا مشهور گردیده است و به تازگی توسط دکتر سید جلال حسینی بدخشانی به انگلیسی منتشر شده است.

وی همچنین دارای یک کتاب تاریخ بوده که سرنوشت آن نامعلوم است و فقط رشید الدین فضل‌الله در کتاب جامع التواریخ چند صفحه از تاریخ اسماعیلیه را که توسط حسن محمود کاتب نوشته شده بود را آورده است.

دانشمندان هم عصر

ناصرالدین محتشم حکمران قهستان کسی است که خواجه نصیر اخلاق ناصری را برای وی نوشته و به احترام وی آن را اخلاق ناصری نام نهاده است. واز دیگر دانشمندی که حسن محمود از وی بهره برده و با وی یار و همکار در قلاع قهستان و الموت بوده است خواجه نصیر الدین طوسی بوده است. خواجه مدت سی سال در قلاع اسماعیلیه به سر برده است و پیشتر آثار خویش را در همان زمان تألیف کرده است. آنچه را که خواجه در باب عقاید اسماعیلیه به نثر گفته حسن محمود آن را به نظم آورده است. به هنگام اقامت در الموت و میمون دژ، حسن به جمع‌آوری منشآت و امالی خواجه درباره‌ی مبانی اعتقادی اسماعیلیه پرداخته و مجموعه‌ای که خواجه آن را روضه‌ی تسلیم یا تصورات نامیده از نظر خواجه گذرانیده و به امضای وی منتشر کرده است دوستی نزدیک و دراز مدت حسن با خواجه و حضور او در مجالس درس و بحث باعث شده بود که حسن نکات مورد بحث با خواجه و حضور او در مجالس درس و بحث باعث شده بود که حسن نکات مورد بحث با خواجه در روضه‌ی تسلیم، سیر و سلوک، آغاز و انجام، تولا و تبرا و احتمالاً پاره‌ای دیگر از رسائل خواجه در باره‌ی مذهب اسماعیلی را - که به مرور زمان از بین رفته‌اند - به نظم در آورد. وی در دیوان از چند شاعر و نویسنده‌ی گمنام نام می‌برد که عبارتند از عمید داعی از داعیان اسماعیلیه - رییس اجل از بزرگان دعوت اسماعیلیه و جمال شاعری که قصائد نغزی می‌سروده و در شعری از وی نام برده است.

تولد و وفات-محل تولد

حسن به احتمال زیاد در قزوین ویا حوالی آن زاده شده ودر عنفوان جوانی به مذهب اسماعیلیه گرویده ویا به تعبیر خودش قائمی شده است. تولد او در اواخر نیمه ی اول قرن ششم هجری روی داده باشد زیرا هنگام اشاره به ابلاغ دعوت قیامت به وسیله ی حسن علی ذکره السلام(وفات: ۵۶۱/۱۱۶۶) می گوید⁵ و این همه بشارت ها در خداوند علی ذکره السلام بدیدیم". از آنجا که فعل دیدن در این عبارت به صیغه ی جمع ذکر شده می توان چنین حدس زد که نویسنده در اینجا استنادش به نگرشی عام است و احتمالاً در آن زمان در سنین کودکی بوده است. ودر قصیده ی شماره ی ۷۵ که به تصریح استاد مدرس رضوی می باید در سال ۱۱۹۱ م / ۵۸۷ روی داده باشد و به احتمال زیاد شاعر می بایست در آن زمان بیست ساله بوده باشد. از سال وفات شاعر اطلاعی در دست نداریم.

⁵.همان منبع(دیوان قائمیات) ، مقدمه صفحه ی 107

3- شاعر چه مفاهیمی را مورد تاویل قرار داده است؟

بهشت:

وی بهشت و جهنم را به معنای ظاهری آن نمی داند، بهشت را شناخت و بندگی امام و پیا دانایی می داند و جهنم را عدم شناخت امام و جهل می داند در قصیده شماره ی ۸۰ از ابیات ۲۳۶۴ تا ۲۳۶۷ این گونه میفرماید:

هر که او را بنده باشد رسته باشد از سقر
وانکه او را منکر آید کافر است و اهل نار
جهد کن در دار دنیا تا به دست آید تو را
جنت الفردوس باقی در این دارالقرار
چون قیامت گشت ظاهر بایدت بشناختن
هم بهشت و دوزخ آنجا از روی اعتبار
علم دانایی بهشت و جهل نادانی سقر
شد بهشت هشت و دوزخ هفت باشد در شمار

درباب درب های دوزخ:

وی ضمن بر شمردن درب های دوزخ به توضیح هر کدام از درب ها می پردازد و می گوید از هر دری چه نوع حیوانی می آید و در آخر نتیجه میگیرد که صفات حیوانی در انسان اثر دارد و بعضی انسان ها همچون موش و گوسفند و خرس و... هستند. هست از انواع حیوانات در مردم اثر چشم بگشا تا ببینی شان به هم اندر قطار آن که دزد است همچو موش و آن حریصت خوک دان هر که نا حق می خورد چون شیر و گرگ ناپکار

معرفت امام:

معرفت و شناخت امام را عین بهشت جاودانی می داند. معرفت عین بهشت جاودانی آمده است.

چون محبت یار او شد کار گردد چون نگار (۲۲۷۱)
چون امام وقت بشناختی رستی ز غم
گر نداری هیچ دیگر دل دراندیشه مدار

در ابیاتی دیگر قصیده ی ۸ ابیات ۳۳۹-۳۴۰ حتی رعایت احکام شریعت بدون شناخت امام را مفید نمی داند.

نماز و روزه و قرآن و شرع و دین بی تو مفید نیست اگر چند هست مستوفا تو را شناخت ندانند و بی شناس تو نیست امید خیر نه در آخرت نه در دنیا

قیاس تنزیل با تأویل:

در مقایسه تنزیل و تأویل، تنزیل را به شوره زاری تشبیه می کند که در عمق آن آب روان است.

قیاس ظاهر تنزیل با تأویل در عالم چو شورابی ست کندر تحت او ماء معین باشد شریعت چون یکی مادت که تنزیلش بود صورت قیامت چون یکی خاتم که تأویلش نگین باشد

(۱۳۸۸-۱۳۸۷)

امام:

وی امام را رکن اصلی عالم هستی و همه کاره ی عالم هستی و تمام جهان را به وجود او برپا می داند و میگوید که امام دارای دو وجه است یک وجه خلقی و یک وجه امری.

به شکل و صورتش مانند خلق از بهر آن آمد که تا این عالم خلقی وجودی یافت مستوفا وگرنه از ره معنی و عین راستی هست او زهر صورت که عقل ما صفات آن کند بالا

(۲۰۳ - ۲۰۲)

آن قائم کلی که جهان را به حقیقت فیض نظر او سبب کون و مکان است

(۸۷۲)

همو اول، همو آخر، که بی او اول و آخر نماند کلّ و جزو هر دو عالم یک نفس برجاست

و در جایی دیگر حتی کلمه ی امام را با الله یکی می داند و میگوید وقتی احکام شریعت به سر آید و دور قیامت میشود الفاظ به کنار می روند.

بلی کوس قیامت چون فرو کوبند در عالم
شکوه نور اشراق ظهورش در زمین باشد
امام و قائم و الله کاندرا لفظ می گویی
در اکوان شریعت هر سه را نام اینچنین باشد
ولیکن در قیامت گرسه گویی هر یکی آنجا
به حکم راستی این یک همان آن یک همین باشد

دنیا و عقبی:

وی می گوید که دنیا زمین و آسمان نمی باشد و دنیا در مقابل آخرت همچون طفل در مقابل
مرد بالغ است.
تو گر پرسی که دنیا چیست و آنگه در جواب تو
کسی گوید زمین و آسمان است آن مکن باور
وجود دنیوی و عقبی ز راه بینش و دانش
چو طفل و مرد بالغ دان و نیک این باب را بنگر
وجود طفل آن باشد که چون صورت در آئینه
ببیند داند آن کو هست عکس آدمی پیکر
تو تا در حالتی باشی که در وی باز نشناسی
کمال از نقص و صدق از کذب و علم از جهل و خیر از شر
تو گر در حالتی باشی که اندر وی به چشم دل
ببینی کل اشیا را کماهی صادر از مصدر
تویی در عالم عقبی مقیم ذروه ی اعلی
وگر خود همچنان باشی نشسته سال و ماه ایدر

قبله:

او امام را قبله ی مومنان و ارباب عقل می داند
قائم اعظم که از راه رضا و رحمتش
اهل ایمان را بهشت جاودان آورده اند
قبله ی ارباب عقل از کبریای انس و جان
رخ سوی محراب رایش انس و جان آورده اند

نتیجه:

"اگر دیوان قائمیات را از دید مفاهیم و مصطلحات رایج در متون ادب صوفیه مورد نظر قرار دهیم می بینیم که گاه یک شعر دیوان قائمیات تمام ویژگی های دیگر شعر عرفانی را داراست و باید مرزی بین شعر عرفانی و اسماعیلی قائل شویم شعر عرفانی قرن ششم و هفتم بر محور پیر حرکت می کند و مخاطبانش اصحاب خانقاه اند و در جهت هدف ارباب خانقاه که زهد و اعراض از متاع دنیاست سخن می گوید و "پیر" هر کسی است که از دست پیر دیگری "خرقه" گرفته باشد و به همین دلیل می توان در یک شهر و در یک زمان به چندین پیر ارادت ورزید و بیعت کرد، اما محور شعر اسماعیلی "امام" است و امام، کسی است که در تمام روی زمین یک نفر بیشتر نیست و از منظر مخاطبان نیز شعر اسماعیلی در مرحله ی نخست، "جماعت" پیرو دعوت اسماعیلی را در نظر دارد."⁶

در شعر عرفانی ترک دنیا و پرهیز از هرگونه اقدام سیاسی است، حال آنکه شعر اسماعیلی ضمن دعوت به امام وقت جماعت را به استفاده از مواهب دنیا فرا می خواند.

مثلث شریعت و طریقت و حقیقت تصوف در کنار مثلث شریعت و طریقت و "قیامت" مذهب اسماعیلی دعوت الموت، چنان به هم نزدیک می شود که گاه مرزی علمی میان آن وجود ندارد. در دور قیامت، تأویل بالاترین قلّه خود را می پیماید و اگر فراخی میدان تأویل، درین دوره به این حدّ از گسترش نرسیده بود، شاید امکان عرضه کردن اندیشه ی ظهور دعوت قیامت، از نظر تاریخی و اجتماعی، امری محال بود. گرایش به تأویل که از آغاز دعوت اسماعیلی، محور اصلی آموزش بود درین لحظه ی تاریخی به نقطه ی اوج خود رسید. و با پرپایی قیامت این نکته را به اسماعیلیان گوش زد کردند که امام محور وجود همه چیز است. در این تحقیق تعداد کمی از ابیات که تأویل مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه را شاعر بیان کرده بود به آن پرداخته شد که بررسی همه ی ابیات کاری بزرگ و خارج از تخصص و دانش اندک نگارنده می باشد و ان شاء الله دانش پژوهانی این مهم را انجام خواهند داد.

چکیده: آیا در دیوان قائمیات تأویل بکار رفته است؟

با توجه به اینکه دیوان قائمیات به تازگی انتشار یافته است و ما اطلاع چندانی از تاریخ و عقاید اسماعیلیه ی الموت نداریم. لذا هدف مشخص کردن تأویل در دیوان قائمیات است. یکی از مهم ترین مسائلی که اسماعیلیه به آن توجه ویژه ای داشته اند مبحث تأویل قرآن بوده است. دیوان قائمیات که بیشتر اشعار آن سروده ی حسن محمود کاتب از سرایندهگان اسماعیلی مذهب سده ی هفتم مربوط به روزگار نزاریان الموت است. وی در دیوان خویش از تأویل بهره جسته و بسیاری از مفاهیم اعتقادی اسماعیلیه را مورد تأویل قرار داده است و با توجه به اینکه بیشتر منابع و کتب اسماعیلیه زمان الموت از بین رفته است لذا بررسی تأویل در قائمیات ضمن روشن شدن عقاید اسماعیلیه در آن دوران ما را با ابعاد دیگری از باورهای اسماعیلیه آشنا می سازد و در زمینه ی تأویل در قائمیات پژوهش مستقلی تاکنون انجام نشده

⁶: همان منبع (دیوان قائمیات) مقدمه

وما در این تحقیق بر آنیم با استفاده از روش توصیفی و منابع کتابخانه ای به بررسی تأویل در دیوان قائمیات پردازیم و بعضی از مفاهیمی را که شاعر مورد تأویل قرار داده بررسی خواهیم کرد.

کلید واژه: تأویل، قائمیات، اسماعیلیه، حسن محمود کاتب

منابع و مأخذ:

1. اسد پور رضا، فصلنامه تخصصی خدانامه، سال اول شماره اول پاییز 91، خطبه البیان به روایت هفت باب سیدنا و تاثیر آن بر امام شناسی اسماعیلیه.
2. بجنوردی سید محمد کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1367.
3. بررسی تاویل در اشعار ناصر خسرو-سامانه مدیریت نشریات دانشگاه اصفهان، مقاله 3، دوره 8، شماره 3-پیاپی پاییز 95.
4. جوینی عطاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، تصدیح محمد قزوینی، تهران، نگاه، 1391.
5. حسن محمود کاتب، دیوان قائمیات، تصدیح و مقدمه ی انگلیسی سید جلال حسینی بدخشانی، مقدمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، موسسه مطالعات اسماعیلی، 1390.
6. حسن محمود کاتب، هفت باب سیدنا، گردآورنده ایوانف، بمبئی، 1352.
7. خواجه نصیر الدین طوسی، روضه ی تسلیم (تصوّرات)، تصدیح و پیدبشگفتار سید جلال حسینی بدخشانی، مقدمه هرمان لندولت، تهران، میراث مکتوب، موسسه مطالعات اسماعیلی، 1393.
8. دهخدا علی اکبر، لغت نامه الکترونیکی، تأویل.
9. دفتری فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه ی فریدون بدره ای، تهران. 1375.
10. رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)، تهران، میراث مکتوب، 1387.
11. رازی امین احمد، تذکره هفت اقلیم، جواد فاضل، تهران، 1340.
12. روحانی رضا، قرآن و تأویل از دیدگاه ناصر خسرو، فصل نامه دانشکده الهیات و معارف مشهد. 1381.
13. طباطبایی محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی محمد باقر مترجم، قم. 1378.

14. فرقانی محمد فاروق، تاریخ اسماعیلیان قهستان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ اول، 1381
15. فرخ محمود، مجله یغما-قصیده ی تاریخی شماره ۱۱ سال ۱۳۳۷ صفحات ۱۱۳ تا ۱۱۵ در باره حسن محمود کاتب .
16. کاشانی ابوالقاسم، زبده التواریخ، دانش پژوه محمد تقی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1366.
17. نانجی عظیم، تاریخ فلسفه اسلامی جلد یک، سید حسین نصر، الیورمن، ترجمه زیر نظر جمعی از مترجمین، تهران، موسسه انتشارات حکمت، چاپ سوم 1389.
18. ناصر خسرو، زادالمسافر، تصحیح و تحقیق سید محمد عمادی حائری، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و موسسه مطالعات اسماعیلی، 1393.
19. ناصر خسرو، وجه دین، تهران، اساطیر، 1384.
20. محمدی محمد علی، دیدگاه ناصر خسرو در باب تأویل، پایگاه تخصصی مجلات نور-نور مگز، مجله: ایران شناخت، تابستان 1377 شماره ی 9.
21. یاحقی، محمد جعفر، غنیمتی باز یافته از ادبیات اسماعیلی، مجله پاژ، بهار 1391- شماره 9.